

نقش باورداشت مهدویت در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران

محسن شریعتی^۱

چکیده

پژوهش پیش‌رو به بازتاب باورداشت مهدویت در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. مفروض این پژوهش آن است که انقلاب اسلامی تحت تأثیر اندیشه مهدویت بوده و نمونه بارز انقلاب‌هایی است که مبتنی بر بعد موعودگرایی و انتظار، رخ داده است؛ به ویژه با رویکرد و قرائتی که از سال ۱۳۴۲ ش، توسط امام خمینی علیه السلام از مهدویت ارائه شد. این باورداشت رسماً به عنوان عاملی قوی و محرکی بزرگ در عرصه سیاسی و انقلابی مردم ایران نمودار گشت. روش تحقیق در این مسئله توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعات جامعه‌شناسی استوار است. یافته‌های این مقاله در چهار حوزه به شرح ذیل دسته‌بندی می‌شود: باورداشت مهدویت در مرحله نخست، بر حوزه بینشی و تغییر در جهان‌بینی مردم ایران، تأثیرگذار بود و بعد از ایجاد جهان‌بینی، در حوزه ارزش‌ها مفید بوده و در واقع ایجاد ارزش‌های مهدوی در راستای انقلاب نمود یافت. باورداشت مهدویت در حوزه هنجارهای رفتاری هم بر انقلاب تأثیر گذاشت یعنی مقوله مهدویت، ارزش‌هایی ایجاد کرد که در محتوا و ماهیت انقلاب اثر گذاشت و در نهایت در حوزه نمادها و سمبل‌های مهدوی، برای تسریع در امر انقلاب ایران ظهور و بروز پیدا کرد.

واژگان کلیدی: مهدویت، انقلاب ایران، بینش، ارزش، هنجار، نماد.

با رواج علوم جدید و فلسفه‌های پوزیتیویستی در مجامع علمی غربی، ظاهراً از رونق مباحث متافیزیکی و دینی کاسته شد تا آن‌جا که پوزیتیویست‌ها گزاره‌های دینی و متافیزیکی را فاقد هرگونه معنا و مفهوم اعلام کردند. اما با بی اعتباری تحلیل‌های پوزیتیویستی، بار دیگر معنادار بودن گزاره‌های دینی و متافیزیکی از سوی بسیاری از صاحب‌نظران پذیرفته شد^۱ تا جایی که تعداد بالایی از جامعه‌شناسان، به تأیید گزاره‌های دینی و به نفع وجود دین در بستر جامعه فرضیه‌سازی کردند^۲. وجود جنبش‌ها و انقلاب‌های برآمده از دین در جوامع سنتی و سرعت بخشی به رشد این جوامع، نظریات کارل مارکس به مسلخ کشیده و تهیدیدی جدی برای بی‌تأثیری نظریات غربی قلمداد شد.

شاید یکی از مهم‌ترین نکاتی که نظریه‌پردازان انقلاب در خصوص انقلاب اسلامی ایران باور دارند؛ این است که این انقلاب رخداد بزرگ سیاسی است که کارکرد و ساختار آن با همه انقلاب‌های دنیا دارای تفاوت ماهوی است. از نظر آنان، این انقلاب را هرگز نمی‌توان صرفاً به یکی از ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دینی منحصر دانست. با وجود کاوش‌های صورت گرفته در زمینه انقلاب اسلامی ایران و نگاه ویژه به جنبه‌های اجتماعی و بستر تکوین آن؛ به تأثیر مهدویت بر این انقلاب و گونه‌های این تأثیرگذاری کم‌تر توجه شده است.

این پژوهش کوشش دارد از نقش مهدویت در پیدایش انقلاب اسلامی ایران سخن بگوید. مسئله مشخص این مقاله عبارت است از «مطالعه نقش آموزه مهدویت در ایجاد روحیه اعتراض در جامعه ایران و بسیج مردم در نفی حکومت شاهنشاهی و شکل دادن انقلاب اجتماعی تأثیرگذار» و این فرضیه را محک بزند که گفتمان مهدویت، در نهادینه‌سازی و ایجاد انقلاب ایران نقش بنیادینی ایفا کرد.^۳ (سؤال اصلی)؛ برای شکل‌گیری انقلاب ایران با توجه به باورداشت مهدویت می‌توان در چهار حوزه بحث و گفت‌وگو کرد (سؤالات فرعی) و در واقع مهدویت در چهار

۱. صدیق سروستانی، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، ص ۶۰.

۲. همیلتون، جامعه‌شناسی دین، محسن ثلاثی، ص ۳۰.

۳. روشن است که نمی‌توان مدعی شد تنها همین نکته عامل تکوین انقلاب اسلامی است.

حوزه برای انقلاب ایران تأثیرگذار بوده و نقش آفرینی داشته است. این عناصر تأثیرگذار بر انقلاب را می‌توان در حوزه بینش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها و سمبل‌هایی که از سوی اندیشه مهدویت می‌تواند به جامعه سیاسی ایران عرضه شود، مورد بحث قرار داد. بنابراین مجموع این عناصر را می‌توان در حوزه‌های ذیل دسته بندی کرد:

۱. در حوزه بینش‌ها؛ ۲. در حوزه ارزش‌ها؛ ۳. در حوزه هنجارهای رفتاری؛ ۴. در حوزه نمادها و سمبل‌ها.

نقش مهدویت در قاموس فکری تشیع و زایش انقلاب‌ها

با مطالعه انواع حرکت‌های مهدویت‌گرا در مناطق مختلف جهان اسلام، این نتیجه ملاحظه می‌شود که اندیشه مهدویت برآمده از آموزه‌های اسلامی، مورد قبول همه مذاهب و گروه‌های اسلامی بوده است و آن چنان در جهان اسلام پذیرفته شده که نه تنها هیچ کس با اصل آن مقابله نکرده، بلکه هر کس که با تکیه بر این اندیشه قیام کرده است، شمار قابل توجهی از مردم مسلمان به امید و آرمان‌رهایی از ستم و رسیدن به عدالت پیرو او شده‌اند.^۱

موضوع انتظار ظهور حضرت حجت، آخرین امام زنده شیعیان در عصر غیبت، یکی از مهم‌ترین عناصر تفکر شیعی است. این عنصر که شیعه را از دیگر فرقه‌های اسلامی متمایز می‌سازد، مهم‌ترین عامل تحرك و پویایی شیعیان می‌باشد.^۲ مؤلفه «انتظار»، آن‌ها را همواره در حالتی آماده‌باش قرار می‌دهد^۳ و منشأ آگاهی و هوشیاری و بیداری دائمی آن‌هاست. در واقع خاصیت انتظار سازنده و اصیل، آماده‌باش، هوشیاری و بیداری دائم و حرکت هدفمند است و فکر و روحیه شخص منتظر را تنظیم می‌کند و انسان را بر اساس طرح و برنامه به حرکت و عمل وای دارد.^۴

مهدویت به عنوان میراث گران‌بار مذهب شیعه، همواره به عنوان بستری برای معادلات

۱. فرمانیان، بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۱۹.

۲. صمدی، تأثیر مردم در تعجیل در ظهور، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴، ص ۵۷.

۳. رامین، آخرین انقلاب؛ انقلابی آخر، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۰، ص ۱۱۵.

۴. موسوی، تربیت سیاسی در پرتو انتظار، همان، شماره ۶، ص ۲۸.

فردی و اجتماعی شیعیان نقش آفرینی کرده است؛ به ویژه با رویکرد و قرائتی که از سال ۱۳۴۲ش توسط امام خمینی علیه السلام از مهدویت ارائه شد، این باورداشت رسماً به عنوان عاملی قوی و محرکی بزرگ در عرصه سیاسی و انقلابی مردم ایران نمودار گشت. به عبارت دیگر، در تکوین انقلاب اسلامی ایران، این رویکرد عملیاتی شد و در متن زندگی و عرصه جامعه قرار گرفت و لذا بسترسازی مهدویت برای انقلاب اسلامی ایران، از چشم جامعه شناسان مخفی نماند و آنان در پی هستی و واکاوی آن برآمدند و از جمله بسترها و عوامل شکل‌گیری در انقلاب و زایش انقلابی مردم ایران را، «باورداشت مهدویت» دانسته و طبعاً از آن به عنوان عوامل مهم و اصلی انقلاب نام می‌بردند.

میشل فوکو، یکی از عوامل موثر بر انقلاب اسلامی ایران را «مذهب تشیع» می‌داند. مذهب تشیع _ در اعتقاد او _ دو ویژگی دارد: اعتقاد به امام زمان و نقش آن در زندگی مردم شیعه و دیگری وجود روحانیت شیعه و نقش آن در حفظ دین. از منظر میشل فوکو: اعتقاد به امام زمان موتور محرک هیجانات اجتماعی تشیع را همواره روشن نگه داشته، مردم را در حالت آمادگی دائم قرار می‌دهد؛ چرا که وقتی انتظار فرج بر همه مسلمانان شیعه «واجب» شد، آن‌ها در حالت آمادگی کامل قرار می‌گیرند. بنابراین، برای هر حادثه‌ای آماده خواهند بود. به ویژه، بر خود واجب می‌بینند که زمینه ظهور امام را فراهم کنند. پس نه تنها در آمادگی کامل هستند، بلکه اقدام به اصلاح، سرلوحه امورشان است^۱.

اسکاچپول که پیش از انقلاب اسلامی ایران، با نوشتن کتاب «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی»، نظریه خود را درباره وقوع انقلاب بیان کرده بود؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۹۸۲ میلادی با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران»؛ نظریه خود را به نوعی اصلاح کرد. او در کتاب پیشین خود با رویکردی کاملاً مارکسیستی وقوع انقلاب‌ها را بیش‌تر «ساختارگرایانه» تحلیل و نقش عناصر فرهنگی و ذهن‌کنشگران را در پیدایش انقلاب‌ها را کم‌رنگ عنوان کرده است؛ اما در این مقاله، انقلاب اسلامی ایران را چالشی برای نظریه خود یافت. لذا این‌گونه به خصلت متمایز بودن انقلاب ایران اشاره می‌کند: اگر

۱. رمضان نرگسی، دغدغه‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران، آموزه، ش ۷، ص ۱۴۴.

بتوان گفت که یک انقلاب در دنیا وجود داشته که عمداً و آگاهانه توسط «نهضت اجتماعی تودها» تکوین یافته است تا نظام پیشین را سرنگون سازد؛ به طور قطع، آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است. انقلاب آن‌ها تصادفاً و ناآگاهانه صورت نگرفت، بلکه به صورت آگاهانه و منطقی پی‌ریزی شد. این انقلاب مرا وادار می‌سازد تا به درک خود درباره نقش بالقوه و محتمل سیستم‌های عقاید و ادراکات فرهنگی در شکل بخشیدن به کنش‌های سیاسی عمق و وسعت بیش‌تری ببخشم.^۱

انقلاب اسلامی ایران نمونه بارز انقلاب‌هایی است که با توجه و عنایت به بعد موعودگرایی و انتظار، رخ داده است و شورش علیه رژیم طاغوت با پیروی از علما و بزرگان، در سایه انتظار امام زمان، علت حرکت مردم مسلمان ایران بود و چنانچه این اعتقاد در جان مردم رسوخ نکرده بود، هرگز انگیزه و تحرکی در آن‌ها ایجاد نمی‌شد. انتظار امام زمان، به منزله نوعی ایدئولوژی کاربردی و یکی از اعتقادات شیعه موجب تحرک و پویایی اجتماعی در ایران شده است و با توجه به توان بخشی و به منتظران خود، عاملی در پویایی و دگرگونی اجتماعی است و جامعه را به جلو برده، از ایستایی، انحطاط و سکون باز می‌دارد.^۲

۱. نقش آفرینی مهدویت در حوزه بینش‌ها برای انقلاب ایران

اعتقادات، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان، از عناصر محوری امور اجتماعی هستند. کنش‌ها، هنجارها، نمادها، سازمان‌ها، ساختارها و تغییر و تحولات درونی آن‌ها به تناسب اعتقادات، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان به وجود می‌آیند و تا زمانی که تغییر به این لایه بنیادین مربوط نباشد، تغییرات و تفاوت‌ها، هر اندازه که گسترده هم باشند، هویت واحد جهان اجتماعی محفوظ است.^۳ در واقع، برای تغییر و تبدیل در جوامع باید در جهان بینی و در حوزه بینش‌ها و اعتقادات تغییر ایجاد کرد.

۱. صادق نیا، موعودگرایی، مقاومت و اعتراض نگاهی به تجربه انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵۱، ص ۴۳.

۲. ربانی، بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی در ایران معاصر، ص ۴۷.

۳. پارسانیا، جهان‌های اجتماعی، ص ۱۴۸.

اسلام با تغییر در جهان بینی مردم جاهلی عرب تکوین و استمرار یافت و با مجموعه مؤلفه‌های مورد نظر، مفاهیم محوری جامعه عرب را که بر محور قبیله و عشیره و شهوت و غضب قرار داشت، تغییر داد و با تغییر در بینش‌های آنان، مؤلفه‌ها و گهرهایی چون تقوا، عفت، شجاعت و شهادت را در عرصه زندگی افراد به وجود آورد.^۱

«باور»ها به معنای نظام جهان بینی و اعتقادات و نوع نگرش به خدا، انسان و جهان است^۲ و روشی نسبتاً ثابت در فکر است که در واقع مهم‌ترین عامل برای دستیابی به آرمان و اهداف معین و مشخص محسوب می‌گردد. عقاید و باورها، نقش مهمی در ساحات مختلف اجتماع دارند و از عوامل مؤثر بر استحکام و تعالی فرهنگ جامعه و رکن اول از ارکان فرهنگ به حساب می‌آیند؛ زیرا باور و اعتقاد دارای نقش مهمی در رفتار و کردار آدمی است و سرچشمه اصلی شمرده می‌شود. بر اساس باورها و اعتقادات، هر فرد، خود را به کرداری خاص پایبند می‌کند و یا از انجام دادن کار خاصی اجتناب می‌ورزد. در حقیقت ارزش‌های حاکم بر جامعه بر طبق باورها و بینش‌های افراد آن جامعه شکل می‌گیرد؛ رفتارهایی که در عرصه زندگی مردم بروز و ظهور پیدا می‌کند. و نمادها و سمبل‌ها بر اساس آن سامان می‌یابند و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. عقاید و باورها یکی از عناصر اصلی فرهنگ و یکی از ارکان آن به شمار می‌روند؛ زیرا فرهنگ تشکیل یافته از عقایدی است که مردم جامعه‌ای به آن‌ها معتقد و به آن باور دارند.^۳

انقلابیان با باورداشت به اصل مهدویت، همواره برای ثمر دادن انقلاب خود امیدوار هستند و امید را بر زندگی اجتماعی و سیاسی خود حاکم می‌دانند و این امیدواری را از بطن آموزه‌های دینی خود دریافت کرده‌اند: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَ لَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا؛^۴ اگر امید بر زندگی حاکم نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی را نمی‌کاشت.» این انقلابیان برای کسب آمادگی لازم همواره (بنا بر روایات مهدوی) مهم‌ترین

۱. همان، ص ۱۵۰.

۲. رک: ملکی راد، کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۲۹۵.

وظیفه خود را، انتظار فرج می‌دانند: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي ائْتِظَارُ الْفَرَجِ».^۱ از این رو انتظار امامی موعود برای رسیدن به آرمان شهر آخرالزمانی همواره یکی از مهم‌ترین آرزو، مأمّن و قوه محرکه شیعه در حرکت‌های مختلف فردی و اجتماعی بوده است.

انقلابیان، بنابر روایات مهدوی، از «انتظار»، به عنوان عبادت،^۲ برترین عمل^۳ و بالاترین عبادت^۴ یاد می‌کنند و نتیجه انتظار را وصال به مطلوب عنوان می‌کنند.^۵ بدیهی است که خوش بینی به سرانجام و فرجام امور، روزنه‌های امید را فراروی فرد می‌گشاید. این که قرار باشد با فراهم شدن زمینه، نجات بخشی حاصل شود و خوبی‌ها را به ارمغان آید، روشنایی بخش است.^۶ این باورداشت برای انقلابیان در هر صورتی مفید است و مثمر؛ و هر دو مقوله شهادت و پیروزی فلاح و رستگاری است.^۷

کاربست رهیافت گفتمان مربوط به انتظار، به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این آموزه برمی‌گردد. گفتمان انتظار در بنیادهای ارزشی دین اسلام ریشه دارد؛ گفتمانی که با تحول در ایستارها و رفتارها و ایجاد نظام ارزشی جدید، درصد تثبیت و استقرار هویتی مبتنی بر «اسلام» در معنای وسیع آن می‌باشد. «انتظار» بر «واقعیت‌های نهفته» دلالت می‌کند و در درونمایه خود، دارای چهار ویژگی مهم است:

یکم. عدم بسندگی به واقعیت‌های موجود؛

۱. ابن بابویه، علل الشرائع، مقدمه، ج ۱، ص ۴.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: « ائْتِظَارُ الْفَرَجِ عِبَادَةٌ » (طوسی، الأمالی، ص ۴۰۵).

۳. التَّيْبِيُّ: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي ائْتِظَارُ الْفَرَجِ» (ابن بابویه، علل الشرائع، مقدمه ج ۱، ص ۴).

۴. پیامبر گرامی ﷺ: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي ائْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتٍ مِنْ ائْتِظَارِ فَرَجٍ [از ناحیه خدای تعالی] است» (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۴۷) و «أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمُرَّةِ ائْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (ابن بابویه، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱).

۵. امام علی علیه السلام: «فَإِنَّ كُلَّ رَاحٍ طَالِبٍ؛ هِرَامِدَوَارِي جَوِينِدَه اِسْت» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۳).

۶. حاتمی، تجلی امید در فرهنگ مهدویت، فصلنامه مشرق موعود، پیش شماره، ص ۱۴۹.

۷. از امام صادق، از پدرانش، از امیرالمؤمنین چنین روایت شده است: الْمُتَنَظِّرُ لِأَهْرِنَا كَأَنَّكَ تَسْحَبُ بِدَمِيهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ منتظر امر ما مانند کسی است که در راه خدا به خون خود در غلظد» (شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۴۸).

دوم. وجود واقعیتی متعالی و برین در فراسوی افق و واقعیت‌های موجود؛
سوم. امکان حرکت انسان‌ها از واقعیت‌های موجود به سوی واقعیت‌های برین؛
چهارم. تأکید بر تکاپو و جست‌وجوی انسان‌ها برای یافتن ابزارهایی که منتظران را واقعیت و وضع موجود به سوی آینده‌ای روشن سوق و واقعیت‌ها و اوضاعی مطلوب و برین می‌دهد.
 در این نگرش، فاصله زمانی طی مسیر از وضع موجود به وضع آرمانی و مطلوب، چندان در خور اهمیت تلقی نمی‌شود. رویکرد گفتمانی به مؤلفه‌های معنابخش انتظار، ما را در فهم ایده‌ها، کنش‌ها و باورهای معنادار کمک می‌کند.

«انتظار» در فرایند انقلاب اسلامی، به گونه‌ای بازتعریف شد که به گفتمانی عمومی تبدیل گردید؛ زیرا انتظار دیگر به معنای «امید به برقراری حاکمیت عدل در آینده و رستگاری انسان با مداخله الهی» معنا نشد، بلکه انتظار، «آمادگی روحی و عملی و اعتقادی برای اصلاح، انقلاب و تغییر وضع جهان» معنا شد. همین‌طور غیبت، دیگر به معنای «سلب مسؤولیت اجتماعی» تعبیر نشد، بلکه به معنای مسؤولیت مردم در تعیین سرنوشت، ایمان، رهبری، زندگی معنوی و اجتماعی و تعیین رهبری که بتواند جانشین رهبری امام باشد؛ تغییر مفهوم یافت.^۱

در نتیجه یکی از عوامل مهم شروع حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران، بی تردید، «تفکر انقلابی شیعه» است که بر اصول اعتقادی برگرفته از اندیشه دینی (به طور عام) و اندیشه مهدویت (به طور خاص) مبتنی است.^۲ تأثیر اساسی انتظار بر شکل‌گیری مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب ایران، غیر قابل انکار و تردید است و با توجه به مؤلفه‌های ظلم ستیزی انتظار، عدم مشروعیت حاکمان سیاسی، نصب عام فقیهان برای نیابت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه التشریح، امید به اصلاح و تعالی جامعه و نابودی مظاهر ظلم و فساد، غصب حق حاکمیت ائمه ناجیه، محرومیت جامعه از فیض حضور امام، زمینه سازی برای تعجیل فرج و... می‌توان گفت که مسئله انتظار (به طور مستقیم و غیر مستقیم) محور فکری و رهبری انقلاب اسلامی بوده و نقش

۱. عرفان، تبیین نقش گفتمان انتظار در مهندسی فرهنگ مقاومت، انتظار موعود، شماره ۴۷، ص ۷.

۲. عبدی پور، تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی، همان، شماره ۵، ص ۲۴۶.

عمده‌ای در شروع و پیروزی آن داشته است.^۱

۲. نقش آفرینی مهدویت در حوزه ارزش‌ها برای انقلاب ایران

«ارزش»، به معنای بایدها و نبایدهاست و در لغت به معنی برزندگی، شایستگی، قدر و اهمیت آمده و در اصطلاح، به چیزی که مورد علاقه و مطلوب فرد یا جامعه و از شایستگی تحسین برخوردار باشد؛ تعریف شده است. همچنین به عقیده یا باور نسبتاً پایداری گفته می‌شود که فرد با تکیه بر آن، شیوه رفتاری خاص یا حالت غایی را، که شخصی یا اجتماعی است، بر نوعی شیوه رفتاری خاص یا حالت غایی دیگر، برتری می‌دهد.

ارزش‌ها یکی از لایه‌های مهم فرهنگ به شمار می‌روند و می‌توان آن‌ها را از اجزای اصلی پازل و ساختمان فرهنگ دانست که بایدها و نبایدهای برخاسته از باور و اندیشه‌ای را بیان می‌کنند. ارزش‌ها برآمده از باورها و جهان‌بینی هستند و با استناد به بینش انسان نسبت به هستی، ملاک‌هایی ارائه می‌کنند که بر اساس آن قضاوت می‌کنیم و بین خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و درستی و نادرستی امور، تمایز قائل می‌شویم. ارزش‌ها برآمده از باورها و بینش‌هایند و در آن‌ها ریشه دارند و در ترسیم مبانی و اصول فرهنگ و در استحکام و ثبات آن نقش مهمی دارند.^۲

انسان‌ها بر مبنای معناهایی که چیزها برای آن‌ها دارند، عمل می‌کنند^۳ و این معانی به عمل تبدیل می‌شوند؛ حتی آنچه در احکام نظری ایمان صورت بندی شده؛ در اعمال الهام شده دینی به کار رفته است^۴ تولید کننده ارزش خواهند بود و بر رفتار افراد اثر می‌گذارند و به عنوان ضابطه‌ای برای ارزیابی اعمال دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرند. معمولاً میان ارزش‌ها با نحوه عکس‌العمل جامعه رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی ارزش‌های جامعه معمولاً از هنجارهای آن دفاع می‌کنند و بروز و ظهور هنجارهای غیر مطلوب را اجازه نمی‌دهند.

آنچه مسلم به نظر می‌رسد، وجود زمینه‌های جدی و ریشه‌های عمیق فکری و دینی

۱. کارگر، رحیم، انتظار و انقلاب، همان، شماره ۲، ص ۱۲۶.

۲. ملکی راد، کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، ص ۶۴.

۳. کرایب، نظریه اجتماعی مدرن، ص ۱۰۹.

۴. واخ، جامعه‌شناسی دین، ص ۲۹.

باورداشت مهدویت و نقش آفرینی آن در عرصه علمی، فرهنگی و تمدنی باورمندان به انتظار است. افزون بر این، این باور بر عرصه ارزش‌ها که همان برون‌داد نگرش و جهان بینی است، تأثیر داشته است و به نحوی مهدویت در عرصه انقلاب و اعتراض به حکومت طاغوت در حوزه ارزش‌ها تجلی کرد و موجب ارزش گردید تا باورمندان به آن، بر مبنای این باورداشت، مخالفت خود را با طاغوت شکل دهند و برای پی ریزی حکومت و انقلاب اسلامی از آن بهره برند.

جنبش‌های اجتماعی معمولاً هنگامی تکوین می‌یابند و به موفقیت دست پیدا می‌کنند که وضع نامطلوب در جامعه ایجاد شود^۱ و به عبارت دیگر، وجدان‌های اجتماعی بیدار شود؛ چون ایستادگی در برابر هر امر ناملایمی، برای پیشبرد هر هدفی ضروری است؛ چنان که اسلام به دلیل بر افراشتن پرچم اصلاح و هدایت در کانون توجه قرار گرفت. هدف نهایی دین اسلام با قیام مصلح جهانی تکمیل خواهد شد. از این رو، حیات سیاسی، اجتماعی اسلام، با درگیری با نیروهای شر و الحاد توأم است. این نبرد، میان خیر و شر یا تقابل ایمان و کفر و طغیان مستمر و مداوم است. لذا اسلام می‌کوشد مجموعه آموزه‌های آسمانی خویش را در جهت تحقق این هدف آرمانی و غلبه دائمی حق بر باطل قرار دهد. این تعالیم در حوزه اعتقاد و بر رفتار و اندیشه معتقدان تأثیر نهاده و مجموعه‌ای از باورها، اندیشه‌ها و الگوهای رفتاری را شکل دهد که از آن به «فرهنگ مقاومت» تعبیر می‌شود. فرهنگ مقاومت، به معنای زندگی مقاومت مدارانه و اجرای الگوهای مقاومتی در همه جنبه‌های حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زندگی خصوصی و فردی انسان است. از این رو، نهادینه‌شدن فرهنگ مقاومت، دارای نمودهای متفاوتی در حوزه‌های متعدد، از جمله حوزه‌های پیش گفته است. به عنوان مثال، در حوزه سیاسی، در استقلال و عدم وابستگی فکری و سیاسی به بیگانگان و در حوزه اقتصاد، در اتکای به خود و استفاده از ظرفیت‌های درونی بروز می‌کند. همین‌طور در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی. انسداد هویتی ناشی از خودباختگی، غرب‌زدگی و فقدان پایداری در برابر مستکبران و نوعی تمایز و تفکیک میان مرزهای فرهنگ مقاومت و خودباختگی را ایجاد می‌کند. انتظار بدون استقامت و پایداری همچون هسته‌ای است بدون مغز و قالبی است بی‌محتوا. کسی که در

۱. کوین، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۴۶۸.

مسیر انتظار صبر و مقاومت را از دست بدهد، انتظار را نیز از دست داده است. از این رو، جوهر اصلی انتظار، «مقاومت» و «پایداری» است.^۱

۳. نقش آفرینی مهدویت در حوزه هنجارها برای انقلاب ایران

«هنجار» به راه و روش و قانون و در اصطلاح به معنای قانون یا اصلی است راهبردی و هدایت آفرین که رفتاری ویژه را موجب می‌شود؛ رفتاری که مورد قبول افراد جامعه قبول گرفته است.^۲ به نظر گیدنز: «هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهنده بایدها و نبایدهای زندگی اجتماعی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند.» در حقیقت هنجارها براساس «ارزش»ها شکل می‌گیرند و «معیار»های رفتارند.

هنجارها به معنای انتظارات مشترک در خصوص رفتار مناسب در گروه است؛ کلیه رفتارهایی که از افراد در یک خرده گروه یا گروه انتظار می‌رود در واقع، کلیه بایدها و نبایدهای رفتاری در گروه را شامل می‌گردد. به عبارت دیگر، هنجار حلقه واسط بین ارزش و رفتار است. ارزش‌ها به عنوان تصورات کلی و ذهنی، زمینه شکل‌گیری هنجارها را فراهم می‌کنند و الهام‌بخش هنجارها هستند و در مقابل، هنجارها امور جزئی و عینی و منشأ دستورالعمل‌های رفتاری؛ و جهت‌دهنده رفتارها هستند. بنابراین، می‌توان گفت ارزش‌ها از باورها برمی‌خیزند که در باورها ریشه دارند و هنجارها نمود عینی ارزش‌ها هستند که در ارزش‌ها ریشه دارند و بایدها و نبایدهای ارزشی را توصیه می‌کنند و رفتارها نمودهای عینی هنجارها و جنبه عملی آن‌ها می‌باشند. به عنوان مثال: ایمان به خداوند، «باور» محسوب می‌شود و عبادت امری حسن و بایسته است که «ارزش» تلقی می‌گردد. باید خدا را عبادت کرد، «هنجار» به شمار می‌رود و خواندن نماز، «رفتار» تلقی می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت هنجارها صورت عملی باورها و ارزش‌ها است.^۳

۱. عرفان، تبیین نقش گفتمان انتظار در مهندسی فرهنگ مقاومت، مجله انتظار موعود، شماره ۴۷، ص ۷.

۲. پارسانیا، جهان‌های اجتماعی، ص ۵۴.

۳. ملکی‌راد، کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، ص ۷۷.

با توجه به مطالب مذکور، مهدویت در این حوزه نیز دارای تاثیرات متنوع و معتنا بهی بر مهندسی انقلاب ایران است و در واقع نمود خارجی مهدویت را باید در این حوزه دید و مهدویت در این حوزه ظهور و بروز دیگری خواهد داشت (تجلی عینی و بیرونی از کنشگران مهدوی).

در این بخش می‌توان به راهپیمایی‌های مردم و اطاعت آنان از مرجعیت و دستورهای امام راحل اشاره کرد؛ چون این رویکرد و اطاعت، نمود بیرونی از محبت و ارادت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. به عبارت دیگر، چون مردم حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را دوست داشته و خواهان او بودند، از دستورها و فرمان‌های حضرت امام راحل اطاعت می‌کردند و در واقع امام خمینی را ولی عام از طرف حضرت مهدی می‌دانستند و برای جایگاه ولایت فقیه تقدس خاصی قائل بودند. این همان نمود خارجی مهدویت مردم ایران در سال ۵۷ بود؛ یعنی در ابتدا باورداشت مهدویت، ایجاد «ارزش» کرد و در مرحله بعد، اطاعت از امام راحل و انقلاب کردن و سعی در سرنگونی رژیم طاغوت، «ظهور» و «بروز» این ارزش در جامعه آن روز ایران تلقی گردید که در امتداد مسیر به برپایی حکومت دینی منجر شد.

۴. نقش آفرینی مهدویت در حوزه نمادها برای انقلاب ایران

«نماد»ها و «سمبل»ها تبلور عینی و ملموس لایه باور و ارزش و هنجار و رفتار فرهنگ محسوب می‌شوند. آلن بیرو در تعریف اصطلاحی «نماد» می‌گوید: «نماد عبارت است از تصویر، صورت یا علامت و حاوی این ارزش که می‌تواند مظهر چیزی غیر مادی شود. نماد با واقعیت اخلاقی و یا واقعیت مربوط به جهان اندیشه که برای نشان دادن آن پدید می‌آید... نمادها از نقطه نظر جامعه‌شناسی، از آن رو که بیان‌کننده معنایی هستند، مورد قبول جامعه‌اند و از جانب آن به رسمیت شناخته شده و به عنوان مظاهری ملموس به حساب می‌آیند.» طبق این تعریف، نماد نشان یا علامتی است که برای تجسم واقعیتی غیر مادی به‌کار می‌رود^۱ و ممکن است دارای هر نوع شکل فیزیکی باشد^۲ و شامل سرود، پرچم، مشاهیر و شخصیت‌های علمی و فرهنگی یک

۱. همان، ص ۸۵.

۲. کوزر، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ص ۵۹.

کشور است^۱ و نوعی معنای مشترک است^۲. نماد، نشانه‌ای است میان صورت و مفهوم آن و رابطه‌ای است قراردادی که باعث تبیین واضح‌تر معنا می‌شود.

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان به شعارها و علائم و نمادهای مهدوی در عرصه انقلاب اشاره کرد. شعار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» که رسماً تأیید جریان امام راحل بود، در این بخش جای می‌گیرد و با توجه به اعتقاد و ارزش و هنجار مهدویت، این شعار صورت می‌بندد. در راهپیمایی‌ها و شعارهای زمان انقلاب کلمات مرتبط با مقوله مهدویت به وفور دیده می‌شد و بر پرچم‌ها و علم‌های آن زمان کلمات مرتبط با مهدویت ملاحظه می‌گردد. عدد ۳۱۳ و مسجد جمکران را به عنوان نمادی از مهدویت می‌شناختند و ایام مهدوی، مثل نیمه شعبان به سمبل مقاومت و ظلم ستیزی تبدیل شده بود.

نتیجه

«انقلاب اسلامی ایران»، نمونه بارز انقلاب‌هایی است که با توجه و عنایت به بعد موعودگرایی و انتظار، رخ داد و «باورداشت مهدویت»، رسماً به عنوان عاملی قوی و محرکی بزرگ در عرصه سیاسی و انقلابی مردم ایران نمودار گشت. این باورداشت در چهار حوزه بروز و خودنمایی داشت و به ترتیب بر انقلاب ایران اثر نهاد: در حوزه «بینشی» و تغییر در جهان بینی و نگرش مردم ایران، به انقلاب، عنوان اصلی‌ترین جریان برای برهم زدن حکومت طاغوت تأثیرگذار بود و در ادامه بر ایجاد «جهان بینی» و نگرش و بینش نو و جدید به عرصه انقلاب، در حوزه ارزش‌ها نیز تأثیر داشت و با ایجاد «ارزش‌های مهدوی»، در جهت انقلاب جلوه‌گری کرد. باورداشت مهدویت در حوزه «هنجارهای رفتاری» نیز بر انقلاب اثر گذاشت و به تولید «رفتارهای مناسب» با ارزش‌های مهدوی منجر شد و در نهایت در حوزه «ایجاد نمادها و سمبل‌های مهدوی» برای تسریع در امر انقلاب ایران ظهور و بروز یافت.

۱. همان، ص ۳۹.

۲. کرایب، نظریه اجتماعی مدرن، ص ۱۱۰.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، محقق: علی اکبر غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، چاپ اول، ج ۲، قم، ۱۳۶۲ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، کتاب فروشی داوری، ۲ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۸۵ ش.
۳. پارسانیا، حمید، *جهان‌های اجتماعی*، کتاب فردا، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۵ ش.
۴. حاتمی، محمدرضا، *تجلی امید در فرهنگ مهدویت*، مشرق موعود، پیش شماره، آینده روشن، قم، سال اول، ۱۳۸۵ ش.
۵. دیلمی، حسن بن محمد، *أعلام‌الدين في صفات المؤمنین*، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ ق.
۶. رامین، فرح، *آخرین انقلاب: انقلابی آخر*، مشرق موعود، ش ۱۰، آینده روشن، قم، سال سوم، ۱۳۸۸ ش.
۷. ربانی، محمد صادق، بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی در ایران معاصر، امام خمینی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸ ش.
۸. رمضان نرگسی، رضا، *دغدغه‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران*، آموزه، شماره ۷، امام خمینی، قم، بهار ۱۳۸۴ ش.
۹. صادق نیا، مهرباب، *موعودگرایی، مقاومت و اعتراض‌نگاهی به تجربه انقلاب اسلامی ایران*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵۱، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، مترجم: پهلوان، دارالحدیث، ۲ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. صدیق سروستانی، رحمت الله، *درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی*، انتشارات سمت، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۲. صمدی، قنبرعلی، *تأثیر مردم در تعجیل در ظهور*، مشرق موعود، شماره ۴، آینده روشن، قم، سال اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*، دارالثقافة، ۱ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. عبدی‌پور، حسن، *تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی*، انتظار، شماره ۵، بنیاد فرهنگی موعود، قم، سال دوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. عرفان، امیر محسن، *تعیین نقش گفتمان انتظار در مهندسی فرهنگ مقاومت*، مجله انتظار موعود، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۱۶. فرمانیان، مهدی، *بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام*، دانشگاه ادیان، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. کارگر، رحیم، *انتظار و انقلاب*، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲، بنیاد فرهنگی موعود، قم، سال اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. کرایب، یان، *نظریه اجتماعی مدرن*، عباس مخبر، نشر آگه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۱۹. کوزر، لوئیس، *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، فرهنگ ارشاد، نشر نی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۷ش.
۲۰. کوین، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، غلامعباس توسلی، نشر سمت، تهران، چاپ ۲۳، تابستان ۱۳۹۰ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، محقق: علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیة، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۲. ملکی‌راد، محمود، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، بوستان کتاب، چاپ اول.
۲۳. موسوی، سیدمهدی، *تربیت سیاسی در پرتوانتظار*، مشرق موعود، شماره ۶، آینده روشن، قم، سال دوم، ۱۳۸۷ش.
۲۴. واخ، یواخویم، *جامعه‌شناسی دین*، جمشید آزادگان، سمت، تهران، ۱۳۹۰ش.
۲۵. همیلتون، ملکم، *جامعه‌شناسی دین*، محسن ثلاثی، نشر ثالث، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۰ش.

